

کارگروه شورای سینما می‌گوید

برای فاخرهای پول نداریم!



محمدحسین سلطانی
خبرنگار

«پول برای ساخت ۲۰ اثر فاخر نداریم.» این خلاصه و

۲۰ فیلم از کجا آمده؟

سه‌شنبه اول خردادماه ۱۴۰۳ وقتی کشور در بهت و حیرت شهادت رئیس‌جمهور وقت بود، برنامه هفتم توسعه هم در جلسه علنی مجلس تصویب شد. البته پس از ماه‌ها کشمکش. در ماده ۷۴ این قانون بندی آورده می‌شود که با تمام ۶ برنامه توسعه قبلی تفاوتی جدی دارد، بندی که ذیل آن این کلمات آمده: «در اجرای بند (۱۳) سیاست‌های کلی برنامه پنج ساله هفتم و به‌منظور تحقق اهداف کمی زیر مطابق با احکام این فصل اقدام می‌شود. «قانونگذار دوتقطه می‌گذارد و جدولی را ترسیم می‌کند؛ جدولی که عنوانش این است: «جدول شماره (۱۶)– اهداف کنفی سنجیه‌های عملکردی ارتقای فرهنگ عمومی و رسانه». در میان ۶ برنامه توسعه سابق تابه‌حال چنین سرفصلی وجود نداشته و ابتکار عمل وزارت ارشاد دولت سیزدهم است اما وجه جالب ماجرا در اولین ردیف از جدول شماره شانزدهم نهفته است، ردیفی که در ستون اولش نوشته شده: «تولید فیلم سینمایی فاخر و ارزشمند در موضوعات تاریخی، دفاع مقدس،

برنامهٔ کمی، ارزیابی کمی هم می‌خواهد

اینکه می‌شود فاخر بودن یا نبودن یک اثر را مورد سنجش قرار داد امری بدیهی است، اما اینکه چه کسی تعیین‌کننده این است که ماحصل کار بدل به اثری فاخر شده یا نه، مسئله است. اگر بخواهیم از منظر مدیران سینمایی به موضوع نگاه کنیم، همین که بودجه‌ای برای ساخت موضوعات تاریخی یا دفاع مقدسی اختصاص پیدا کند، مسأوی با دستیابی به ردیف اول جدول ۱۶ ماده ۷۴ برنامه هفتم توسعه درنظر گرفته می‌شود، بااین‌حال آنچه برای طراحان برنامه هفتم توسعه در این ردیف مهم بوده، نه صرفاً هزینه‌کرد، بلکه تولید و نتیجه است. این امر ما را به این نقطه می‌رساند که مثلاً اگر فلان سازمان روی طرح فاخری سرمایه‌گذاری کرده، این به معنای دستیابی به یک اثر ۲۰ اثر مورد هدف‌گذاری نیست، بلکه ماحصل باید فاخر باشد و ارزشمند. برای حل این استخوان در گلو

برایند اولین کارگروه شورای سینما در۲۶ فروردین است. کارگروهی که ریاست آن را رائد فریدزاده، رئیس سازمان سینمایی برعهده دارد و قرار است گره‌ازکار سینما بازکند. حدود دوماه و چند روز قبل تر هم وقتی عارف، معاون اول

جبهه مقاومت و سبک زندگی ایرانی اسلامی» و در دو ستون بعد مقدار این فیلم تعیین‌شده: ۲۰ اثر در سال! چندماه بعد دولت تغییر می‌کند و رئیس‌جمهور جدید به‌طور جدی اعلام می‌کند قصد دارد برنامه هفتم توسعه را اجرایی کند. آن هم نه فقط یک بخش خاص از آن را بلکه همه آن و به‌صورت تمام‌وکمال. وزیر ارشاد جدید برای تأیید صلاحیت شدن به مجلس می‌رود و برنامه‌ای ۱۷ صفحه را ارائه می‌دهد. در تمام این ۱۷ صفحه به برنامه هفتم توسعه ارجاع داده می‌شود، حتی به ماده ۷۴. با این حال وزیر پیشنهادی پزشکبان به‌شکل واضحی از ارجاع به عدد و رقم‌ها پرهیز می‌کند و ماجرای ۲۰ فیلم فاخر را در برنامه‌اش تکرار نمی‌کند. انگار صالحی کلیت این برنامه را قبول کرده اما نمی‌خواهد زیربار جزئیات و کمیت‌های آن برود. با این تفصیل سیدعباس صالحی رأی اعتماد می‌گیرد و حالا او مانده و ۲۰ فیلم سینمایی فاخری که بنابر قانون باید تولید شود.

که شاید از بیرون به هر طرف آن نگاه کنی، پیچیده‌تر می‌شود یک راهکار ساده وجود دارد. باید همین کلمه فاخر توضیح داده شود. فاخر از منظر چه کسی؟ از منظر مخاطب؟ از منظر کدام مخاطب؟ گیشه؟ یا نه صاحب‌نظران تعیین‌گرند؟ منظورمان از صاحب‌نظران کیست؟ کمیسیون فرهنگی مجلس؟ آیا کمیسیون فرهنگی مجلس صلاحیت این کار را دارد؟ خانه سینما باید این کار را انجام دهد؟ آیا تعارض منافع به وجود نمی‌آید؟ انجمن منتقدان باید این کار را انجام دهد؟ بالاخره کدام نهاد باید دستیابی به این ۲۰ اثر فاخر را مورد بررسی قرار دهد. اگر این مسئله حل شود، آن وقت است که تازه موضوع دستیابی یا عدم دستیابی دولت به اثر فاخر موضوعیت پیدا می‌کند. در غیر این صورت ۲۰ اثر فاخر سنگ بزرگی است که اتفاقاً همه می‌توانند آن را بزنند.

کمدی پرفروش ۱۴۰۲ چطور روی جریان سینمای کمدی تأثیر گذاشت؟

ردّ «فسیل» بر سینمای ایران



مصطفی قاسمیان
خبرنگار

قصه فیلم «کوکتل مولوتف» به عنوان یکی از دو کمدی نمایش داده‌شده دراکران نوروز ۱۴۰۴، از روزهای آغاز می‌شود که ایران بسیار به پیروزی انقلاب اسلامی نزدیک شده و شخصیت اصلی (با بازی امین حیایی) که معمولی و کاملاً بی‌ربط با انقلاب است، به شکلی بازمه درگیر انقلاب می‌شود. این اثر را که شباهت‌های واضحی با «فسیل»، کمدی محبوب سال ۱۴۰۲ دارد، اولین اثری می‌توان دانست که تحت‌تأثیر «فسیل» ساخته شده و البته مسیر آن حداقل با ۲ کمدی گیشه‌ای دیگر ادامه می‌یابد که ممکن است به زودی روی پرده بروند. این گزارش به بررسی و تحلیل تأثیراتی می‌پردازد که موفقیت خارق‌العاده «فسیل» بر سینمای ایران گذاشت.

موج کمدی‌هایی از دههٔ ۶۰

حتی اگر سن‌وسال چندانی نداشته باشی، احتمالاً موج کمدی‌های نوستالژیک نیمه دوم دهه ۹۰ را به خاطر داری که با رخداد‌های دهه ۶۰ شوخی می‌کردند. این موج بزرگ فیلم‌ها را «نهنگ‌عبر» ساخته سامان مقدم آغاز کرد که در اردیبهشت ۹۴ به اکران عمومی درآمد و ناگهان با گیشه بسیار خوب ۷ میلیارد تومانی، بیش از یک میلیون و ۲۰۰ هزار بلیت فروخت و دومین فیلم پرفروش سال بود که نزدیک به ۱۰ درصد از کل تماشاگران سال سینما را به خود اختصاص داد. پس از این اثر بود که کمدی‌ساز‌ها راه گیشه را از مسیر نوستالژی‌های دهه ۶۰ پیدا کردند و فیلم‌های متعددی ساخته شد که با آن دهه و خصوصاً با محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های آن شوخی می‌کرد. در آن سال‌ها «هزارپا»، «مصادره»، «مطرب» و البته «نهنگ‌عبر»: سلکشن رؤیا، همگی با گیشه‌های خوب به اکران درآمدند و روند این جنس کمدی‌ها تا همین حالا و نمایش فیلم‌هایی مثل «زودپز» و «آنتیک» ادامه یافته است. این جریان البته منحصر به سینما نشد و نه فقط به سریالی مانند «زیرخاکی» در تلویزیون، بلکه حتی به ملودرام‌های عامه‌پسند نمایش خانگی نظیر «می‌خواهم زنده بمانم» هم کشید؛ البته که در درام‌های عاشقانه خانگی، نه شوخی با محدودیت‌ها، بلکه روایت‌دراماتیک آن مسائل محور قرار می‌گرفت.

ناگهان «فسیل» کشف شد

در سال ۹۹ و در میانه همین سال‌های تسلط کمدی‌های نوستالژی‌باز روی سینمای کمدی ایران بود که «فسیل» ساخته شد. کریم امینی، علی باطنی و آرمن طهماسبی نویسندگان فیلم‌نامه اولیه این اثر، بعد از مدت‌ها بخش بزرگی از قصه را به جایی دهه ۶۰ در دهه ۵۰ روایت کردند و ماجراهایی را برای یک خواننده تازه‌کار، در روز‌های پیش از انقلاب رقم زدند که البته

رئیس‌جمهور، به موزه سینما آمد تا هم از موزه بازدید کنند و هم جلسه شورای سینما برگزار شود، سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی جملاتی گفت که چندان از برایند کارگروه سینما در۲۶ فروردین دور نبود. اما ماجرای

از کجا بفهمیم فاخر چیست؟

از داستان ۲۰ فیلم فاخر کمی فاصله بگیریم و سراغ خود همین قانون هفتم توسعه برویم؛ برنامه‌ای که دولت سیزدهم گمان می‌کرد دوسال از آن را او قرار است اجرایی کند اما چندماه بیشتر مهلت به‌سیزدهمی‌ها نرسید. حالا و در این شرایط وظیفه اجرای عمده برنامه به عهده دولت چهاردهم است؛ دولتی که باید دست به تولید ۴۰ اثر فاخر بزند اما یک سوال مطرح می‌شود: اصلاً واژه «فاخر و ارزشمند» که در برنامه هفتم آمده یعنی چه؟ تا به حال سابقه داشته در یک کلان‌برنامه کشور نامی از فیلم‌های سینمایی هم نباید؟ اول از سوال دوم شروع می‌کنیم؛ بله. به جز برنامه هفتم در برنامه ششم هم نام فیلم در برنامه توسعه آمده ولی نه به این شکل. در برنامه ششم کلمه فیلم فقط در شرح وظایف سازمان صداوسیما آمده و به چیز دیگر آن هم در یک بخش جزئی که مربوط به درآمدهای این سازمان و نحوه تخصیص آن است. به جز این یک مورد در هیچ‌کدام از پنج برنامه توسعه دیگر کلمه فیلم وجود ندارد. در نگاه اول شاید این ابتکار جالبی به نظر برسد که طراحان برنامه هفت با دقت عمل کرده‌اند و به سمت صنعت راهبری‌ای چون سینما آمده‌اند، با این حال یک‌چیز همه این حرکت جالب‌توجه را زیرسوال می‌برد. ماجرا بر سر همین کلمه فاخر است. فاخر یعنی چه؟ چه اتفاقی می‌افتد که از نظر قانون‌گذار دولت به ۲۰ فیلم فاخر دست پیدا می‌کند. اصلاً این عدد ۲۰ از کجا آمده؟ چرا کمتر یا بیشتر نیست؟ فرضاً ۲۰ اثر هم ساخته‌شد، چه کسی تعیین می‌کند این ۲۰ اثر فاخر بوده؟ مجلس؟ خود دولت؟ سازمان سینمایی؟ جمعی از منتقدان؟ فروش گیشه‌ها؟ همین‌جا ماجرای ۲۰ اثر فاخر تبدیل به کلافی سردرگم می‌شود. کلافی که به نظر یک حرف‌وزیر سابق آن را تا حدی باز می‌کند. اواخر مهرماه ۱۴۰۲ اسماعیلی به حیاط پاستور می‌آید و در تشریح ماده ۷۴ (همان ماده‌ای که ۲۰ اثر فاخر در آن آمده) می‌گوید: «همین الان در جشنواره پیش روی فجر به این عدد (۲۰ اثر فاخر) خواهیم رسید و اتفاق بسیار مهمی است.» وزیر ارشاد سابق یک معیار مهم را به جامعه هنر ارائه می‌دهد و آن هم جشنواره فجر است. حال سوال اینجاست؛ در جشنواره‌های فجر چهل‌ودوم و چهل‌وسوم چند اثر از میان آثار ارگانی فاخر بودند؟ اصلاً چند اثر از نظر فرمی امکان این را دارند که به آنان بگوییم فاخر؟ شاید این

این ۲۰ فیلم فاخر چیست و چرا همه آن را تکرار می‌کنند؟ اصلاً چرا ۲۰ فیلم؟ چرا ۱۵ یا حتی ۲۵ فیلم نه؟ برای روشن شدن مسئله باید به سه‌شنبه اول خرداد ۱۴۰۳ برویم، یعنی دوروز پس از سقوط بالگرد رئیس‌جمهور فقید.

گزاره از سوی دولت مطرح‌شود که منظور دولت از تولید فیلم فاخر و ارزشمند، تولید موضوعاتی به مضامین فاخر و ارزشمند است. برای این جواب یک پاسخ واضح طرح می‌شود؛ مگر هر فیلمی که با مضامینی چون تاریخی، دفاع مقدس، جبهه مقاومت و سبک زندگی ایرانی اسلامی طی چند سال اخیر ساخته‌شده فاخر بوده؟ در همین دو جشنواره گذشته فیلم‌هایی نبودند که در اوج لحظات دراماتیک‌شان مخاطب‌را می‌خندانند و احساسات متناقضی را برمی‌انگیزند؟ آیا فیلم‌های ناقصی وجود نداشتند که حتی سازمان‌های مربوطه جرت نکرد آن‌ها را اکران عمومی بفرستد؟

در بهمن سال گذشته و زمانی که جلسه شورای عالی سینما در سال ۱۴۰۳ برگزار شد و عارف به موزه سینما آمد، راند فریدزاده که تازه مسئولیتش در وزارت ارشاد قطعی شده و خودش را برای جشنواره فجر چهل‌سوم یا به بیان بهتر «محل آزمون ۲۰ فیلم فاخر بند ۷۴ برنامه هفتم توسعه» آماده می‌کرد، اظهارات جالب‌توجهی داشت و در نشست شورای عالی سینما گفت: «تولید آثار با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط و با هدف تولید آثاری که کارکرد ملی دارند، نه تنها امکان‌پذیر است، بلکه باید به‌عنوان یک اولویت در دستورکار قرار گیرد.» دوماه و چند روز پس از این اظهارات و در کارگروه شورای عالی سینما در ۲۶ فروردین ماه، فریدزاده اعلام کرد اگر دیگر دستگاه‌ها کمک نکنند ماجرای ۲۰ اثر فاخر منتفی است. نکته جالب‌توجه فریدزاده این است که او هم ماجرای تولید اثر فاخر را لنگ بودجه می‌داند و مسئله اصلی رسیدن یا نرسیدن به این عدد را رسیدن یا نرسیدن بودجه از نهادهای مختلف عنوان می‌کند. همان‌طور که رئیس سازمان سینمایی قبلی هم در تیرماه ۱۴۰۳ گفته بود با همکاری مالی باقی سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی به تولید ۲۰ اثر فاخر می‌رسیم. با این تفصیل سؤال اصلی اینجاست که مردم در دوسال اخیر چند اثر فاخر در سینماها دیده‌اند و به تماشای یکی از آثار فاخر ارگان‌ها نشسته‌اند؟ از طرف دیگر اگر بنابر قانون قرار است رسیدن یا نرسیدن به ۲۰ اثر فاخر مورد بررسی در نهادهای نظارتی قرار گیرد، چرا دولت ۲۰ اثر یا حتی همان تعداد اثر فاخری را که اعلام می‌کند به آن نزدیک شده یا رسیده، اعلام نمی‌کند؟

کسه این بار نیز از حضور احمد مهرانفر (بازیگر کوکتل مولوتف) به عنوان یکی از هنرپیشه‌های اصلی بهره می‌برد و حامد آهنگی را نیز به عنوان بازیگر دیگر دارد. از آنجا که تجربه نشان می‌دهد در جریان سینمای کمدی، آثار متعددی وجود دارد که تا پیش از نزدیک شدن به موعد نمایش عمومی روی پرده سینما، در سکوت خبری به سر می‌برند، بنابراین این احتمال وجود دارد که فیلم‌های دیگری نیز در همین حال‌وهوای یادشده ساخته شده و در ماه‌ها یا سال‌های آینده اکران شوند.

جایگاه مناسب بهرام با سبیل

آنچه درباره شروع جریان کمدی‌های پیش از انقلابی تحت‌تأثیر «فسیل» خواندیم، البته تنها اثر این فیلم‌روی سینمای کمدی ایران نیست. با نمایش موفق این فیلم بود که بهرام افشاری به عنوان یکی از ستاره‌های پورلساز سینمای عامه‌پسند کمدی مطرح شد. در حالی که جواد عزتی از حدود ۳-۴ سال قبل به‌تدریج در حال شیفت کردن روی سینمای درام و محصولات جدی‌تر سینما و نمایش خانگی بود و رضا عطاران با بالا رفتن سن و حضور در کمدی‌های خاص‌پسند و نه چندان پرفروش، کمی به حاشیه رفت، بهرام افشاری به‌تدریج در کنار پژمان جمشیدی در جایگاه سوپرستارهای اصلی سینمای کمدی قرار گرفت و چه‌بسا از جهاتی، از پژمان هم پیشی گرفت و این مسئله بیش از هرچیز مدیون فیلم «فسیل» و موفقیت فوق‌العاده آن بود. در اثر حضور او بود که فیلم «سال گریه» با وجود کیفیت نازل، توانست گیشه مناسبی داشته باشد و با جذب بیش از یک میلیون تماشاگر، حدود ۶۵ میلیارد تومان بفروشد. رد تأثیر بهرام افشاری به عنوان یکی از عوامل اصلی گیشه «هفتاد سی» نیز مشخص است که با کارگردانی خودش، رکورد ریالی «فسیل» را شکست و حالا در نزدیکی عبور از ۶ میلیون تماشاگر قرار دارد. تحت‌تأثیر نمایش موفق «فسیل»، او آن‌قدر در جریان سینمای کمدی، به ستاره‌ای مهم و سرشلوغ تبدیل شده که حتی برای بازگشت به عنوان بازیگر نقش «بهتاش» در فصل هفتم سریال «پایتخت» هم فرصت نداشت و ابتدا به پیشنهاد سازندگان سریال پاسخ منفی داده بود، هر چند بعد از مدتی به این سریال برگشت و در آن ایفای نقش کرد. جالب آنکه در گریم

بهرام افشاری در همه این آثار، سبیل وجود دارد و این را می‌توان به عنوان یکی از تأثیرات محسوس «فسیل» دانست؛ در حالی که در فصول ۵ و ۶ «پایتخت»، شخصیت «بهتاش» سبیل نداشت! حالا باید دید رد «فسیل» روی سینمای کمدی ایران که به نظر هر روز در حال پررنگ‌تر شدن است، در آینده کمدی‌های فارسی را به کدام سمت خواهد برد.



یکشنبه ۳۱ فروردین ۱۴۰۴



شماره ۴۳۹۱



FARHIKHTEGANDAILY.COM



FARHIKHTEGANONLINE